

Avicenna :A Curriculum Output of Wisdom-Based Education

Aghabagheri Mahdi ¹, Mehrmohammadi Mahmoud ^{2*}, Bagheri Noaparast Kh ³

1. PhD Student of Department of Curriculum Planning, School of Islamic Education, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Department of Education, School of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

3. Department of Philosophical and Social Foundations of Education, School of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran

Article Info

Article Type:

Research Article

Article History:

Received: 2023/04/19

Accepted: 2023/07/15

Key words:

Wisdom-Based Education
Civilizational-Cultural

Interaction

Shahnameh

Avicenna

*Corresponding author:

Mehrmohammadi M,
Department of Education,
Tarbiat Modares University,
Tehran, Iran
Mehrmohammadimahmoud@gmail.com



©2024Guilan University of Medical Sciences

ABSTRACT

Introduction: The present study is a journey in an honorable past to introduce a role model for today`s learners. Avicenna is a zenith standing on the medicine pinnacle who also was master of other common sciences in his time. He was immersed in immortality education in such a way that after passing 1000 years, it is possible to conduct research on him. The main objective of the present study is to investigate the educational facets of Avicenna life.

Methods: This historical-analytical-educational study is to investigate Shahnameh as basic reference by focusing on Khosravani Education, regarding different narrations according to the study context. Shahnameh stories can be interpreted and inferred in different narrations as mythological, epic, historical, gnostic, political, symbolic, and educational; the appropriate interpretation cannot be achieved providing germane commentaries were securitized meticulously.

Results: Owing to the same nature of reason and wisdom in Shahnameh and the related word families, their bounds, categories, levels, lexical combinations, collocations, and derivations regarding valid studies were scrutinized. A point of consideration on Hikmat and Kherad is a same English equivalent for both which is wisdom.

Conclusions: In regard with aforementioned sections of the study, three conclusions can be drawn as follows: A) interaction of civilizations and cultures over the years and in this interaction, Iran was a bridge between East and West. B) interaction of sacred books which are identical in foundations and principles and if the similarities are focused then human beings are members of one whole. C) educational similarities of religions possessing same value system owing to the fact that foundation and principles are identical and the understanding of the mentioned issues can be fruitful for the today learner to find the role model.

How to Cite This Article: Aghabagheri M, Mehrmohammadi M, Bagheri Noaparast Kh. Avicenna: A Curriculum Output of Wisdom-Based Education RME. 2024;16 (1):12-21.

ابن سینا: برون داد برنامه درسی تربیت خردبنیان مهدی آقاباقری^۱، محمود مهرمحمدی^{۲*}، خسرو باقری نوع پرست^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی رشته برنامه ریزی درسی، دانشکده تعلیم و تربیت اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. گروه مبانی فلسفی-اجتماعی آموزش و پرورش، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخچه:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳

کلیدواژه‌ها:

تربیت خردبنیان

تعامل تمدنی- فرهنگی

شاهنامه

ابن سینا

*نویسنده مسئول:

محمود مهرمحمدی، گروه علوم

تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه

تربیت مدرس، تهران، ایران

Mehrmohammadimahmoud

@gmail.com

چکیده

مقدمه: مطالعه حاضر سیری در گذشته‌ای پرافتخار جهت معرفی یک الگو برای فراگیر امروزیین است؛ ابن سینا طبیبی بود که به مقام حکمت نیز دست یافته است. ابن سینا یگانه‌ای است بی‌بدیل بر تارک پزشکی که به سایر علوم رایج زمان خود نیز اشراف داشته و چنان تربیت جاودانه‌مانی را زندگی کرده که بعد از گذشت هزار سال هنوز می‌توان در خصوص وی پژوهش نمود. هدف اصلی از مطالعه حاضر بررسی جنبه‌های تربیتی حیات ابن سینا است.

روش‌ها: روش‌شناسی پژوهش حاضر تاریخی-تحلیلی-تربیتی است. از آن‌رو که شاهنامه فردوسی به دلیل تأکید بر تربیت خسروانی به عنوان منبع اصلی بوده باید به روایت‌ها یا خوانش‌های متفاوت عطف به بافتار کلی مطالعه بسیار دقت شود. بر اساس محتوای شاهنامه روایت‌ها یا خوانش‌های اساطیری، حماسی، تاریخی، عرفانی، سیاسی، نمادین و تربیتی از اکثر داستان‌های این کتاب امکان‌پذیر است و تاویل درست به دست نخواهد آمد مگر با مطالعه و تطور تفاسیر و کتب مربوط به شاهنامه.

یافته‌ها: با توجه به این‌که مفاهیم مربوط به عقل، حکمت، خرد و دیگر واژه‌های هم‌خانواده این سه مفهوم را باید در شاهنامه در قالب یک بستر بررسی کرد در نتیجه حدود، انواع، مراتب، ترکیبات و مشتقات این مفاهیم عطف به منابع خارجی و داخلی به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. یکی از نکات مهم در خصوص حکمت و خرد آن است که معادل انگلیسی این دو واژه عربی و پارسی واژه wisdom است.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر، سه نتیجه را می‌توان ذکر کرد: الف) تعامل تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در اعصار تاریخ که در این جریان تعاملی ایران پل میان شرق و غرب بوده است. ب) تعامل کتب مقدس که بر سر اساس و اصول تفاوتی ندارند و اگر شباهت‌ها مورد تأکید قرار گیرند بنی آدم اعضای یکدیگر خواهند بود و ج) مشترکات تربیتی ادیان که چون از اساس و اصول مشترک مشتق شده‌اند مبانی ارزشی مشترک دارند و درک این موارد فراگیر امروزیین را در یافتن الگو رهنما خواهد بود.

مقدمه

تمرکز پژوهش حاضر بر جنبه تربیتی زندگی ابن سینا است. وی در ۳۵۹ هجری شمسی متولد شده و در ۴۱۶ ه.ش از دنیا رفته است. ابن سینا در ردیف همه‌چیزدانان علوم است چرا که در پزشکی، ریاضی، اخترشناسی، فیزیک، شیمی، جغرافی، زمین‌شناسی، شعر، منطق، فلسفه، موسیقی و سیاست بلند آوازه است و بعضی آثار او به فارسی و عربی امروزه در دسترس

است (۱). خمیس و صالح بیان می‌دارند که ابن سینا اهداف تربیت را پیشرفت کلی فرد می‌داند که عبارتند از: جسمی، ذهنی و اخلاقی که در این راستا هر فرد مطابق با استعدادهای فردی، خود را جهت زندگی در جامعه آماده می‌کند (۲) و آرفین (Ariffin) از دیدگاه ابن سینا اذعان می‌دارد که طالب واقعی معرفت را از دو منبع کسب می‌کند که عبارتند از الهام

تربیت را بدین‌گونه تعریف کرده است که «تربیت عبارت است از شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن ندادن به ربوبیت غیر» (۱۰).

در مبانی تربیتی ایرانی-اسلامی یکی از اصول اساسی عقل است. عقل به‌نظر فیلسوفان و متالهان، صادر نخست یا آفریده نخستین است؛ در شاهنامه هم مخلوق نخست دانسته شده است که مستقیم از ذات باری‌تعالی خلق شده و مورد ستایش قرار گرفته است و به بیان فردوسی «نخست آفرینش خرد را شناس». البته در مورد عقل باید به مراتب، مراحل، حدود و جنبه‌های آن توجه نمود. عقل در شاهنامه مثبت و منفی یا اهورایی و اهریمنی دارد که این مضمون در آموزه‌های ایرانی-اسلامی هم فراوان مورد تأکید قرار گرفته است. به بیان مولانا «آزمودم عقل دور اندیش را بعد از این دیوانه سازم خویش را». جهانی و همکاران بیان داشته‌اند که خرد در ۱۰۰ بیت از شاهنامه به معنای عقل استعمال شده است (۱۱). اما آنچه شایسته توجه خاص است تمایز عقل، حکمت و خرد است. حکمت واژه‌ای اسلامی یا به بیان صحیح‌تر واژه‌ای قرانی است. به‌عنوان واژه، کاملاً مثبت است و هیچ جنبه منفی ندارد. به عقیده بعضی از فیلسوفان و متالهان مراتب عالی‌ه عقل را می‌توان حکمت نامید چنان‌که در آموزه‌های سهروردی، حکمت خسروانی (۱۲) و در ملاصدرا با حکمت متعالیه (۷) روبرو هستیم. خرد پربسامدترین خانواده-واژه در شاهنامه است و ریشه ایرانی دارد. فلاح‌نژاد بیان می‌دارد که کلمه خرد بیش از ۵۰۰ بار و واژه خردمند بیش از ۳۰۰ بار در ابیات شاهنامه ذکر گردیده‌اند (۱۳). در شاهنامه نسخه مسکو و خالقی مطلق واژه عقل و دیگر اعضای خانواده این واژه نظیر عاقل، معقول و غیره وجود ندارد (۱۴، ۱۵). این عدم وجود دلیل بر عدم آگاهی یا اهمیت آن نیست بلکه فردوسی عمداً نه عقل را با خرد جایگزین کرده است در نتیجه خرد در شاهنامه تمامی مراتب عقل (عقول عشره) را پوشش می‌دهد. سید عرب ابعاد، تقسیم‌بندی‌ها و حدود عقل در آثار سهروردی را که بر اساس نظام عقول ده‌گانه است و نزدیک به تقسیم‌بندی ابن‌سینا است و مورد قبول اکثر حکمای اسلامی هم هست، تشریح می‌کند و اذعان می‌دارد که موارد ذکر شده در خصوص عقل در سه روش تفکری برجسته اسلامی یعنی اهل‌الحديث، معتزله و اشاعره فراز و فرودهای زیادی دارد (۱۶). در نتیجه تمام ویژگی‌هایی که ذیل واژه عقل بیان شد در شاهنامه باید بر اساس واژه خرد جستجو شود به اضافه آن‌که چون حکمت

الهی و استدلال قیاسی (۳). وی علاوه بر آنچه بیان شد در دایره‌المعارف اندیشمندان تعلیم و تربیت یونسکو جزء ۴۰ اندیشمند این عرصه در نظر گرفته شده و علاوه بر او فارابی و امام محمد غزالی نیز در این لیست ۴۰ نفره هستند (۴). توجه به این‌که هر سه این اندیشمندان مربوط به قرون سوم، چهارم و پنجم هستند خواننده را متعجب نخواهد کرد اگر بداند این سه قرن به گواه منابع غربی، قرون طلایی تمدن ایرانی-اسلامی هستند (۵، ۶). در این قرون علاوه بر این سه تن، بزرگان دیگری چون بیرونی، فردوسی، خیام و غیره نیز زندگی می‌کردند که جامع علوم بودند و یکی از دلایل این بحرالعلوم تعامل تمدن ایران با اسلام است (۷). و البته ذکر این نکته ضروری است که از قرون ۵ الی ۱۵ تاریخ اروپا را قرون وسطی یا اعصار سیاه نام نهاده‌اند (۵، ۶). در راستای درک بهتر تعامل تمدن ایران و اسلام، توضیحاتی با تأکید بر کلیدواژگان ضروری است.

تعلیم و تربیت یا آموزش و پرورش که می‌توان آن را با عنوان کلی تربیت ذکر کرد به مراحل اشاره دارد که از دوران جنینی شروع شده و می‌تواند تا آخرین دم حیات ادامه پیدا کند. تعریف عملیاتی از این اصطلاح بستگی به رویکرد، دیدگاه و مکتب خاصی دارد که اتخاذ شده تا پژوهش در بافتار آن انجام گیرد. از آن‌جاکه بافتار پژوهش حاضر، بافتاری-اسلامی است؛ تربیت عبارت است از به‌کارگیری توانایی‌های ذاتی و مهارت‌های اکتسابی جهت رسیدن به کمال انسانی، کسب حیات طیبه و در صورت همراهی فیض‌روح‌القدس، جاودانگی. این الگو، مدل یا پارادایم تربیتی در شاهنامه در قالب تربیت خسروانی ارائه شده است و در داستان کیخسرو که ابرمرد شاهنامه نام می‌گیرد نمود واقعی پیدا کرده است، در همین راستا و در عرصه پزشکی در شاهنامه می‌توان از برزویه طبیب نیز نام برد (۸)؛ بر اساس ارجاعات مذکور، شاهنامه یکی از منابع دست اول در بازنمود مدل تربیتی ایرانی-اسلامی است. نکته دیگر آن‌که فردوسی و ابن‌سینا هم عصر بوده‌اند، حال آن‌که فردوسی تحت تأثیر تمدن شرق ایران و خراسان بزرگ و درحالی‌که ابن‌سینا بیش‌تر تحت تأثیر تمدن غرب و مرکز ایران بوده است، اما سرچشمه تمدنی هر دو تعامل ایران و اسلام است. لحمار هدف اصلی تربیت را از دیدگاه ابن‌سینا حفظ فطرت انسانی و تقویت ایمان به خدا اعلام می‌کند (۹). رسیدن به کمال انسانی، کسب حیات طیبه و همراهی روح‌القدس در راستای جاودانگی در اسلام نیز نمونه‌ها دارد که پیامبر (ص) و علی (ع) از نمونه‌های بارز آن هستند. باقری

خصایص روحی، تشخیص معنوی و همچنین به معنای وجدان مورد استفاده قرار گرفته است (۲۰). در پژوهش حاضر، مراد از اسلام آئین یا دینی است که توسط محمد مصطفی (ص) اعلام گردید و بر اصول و فروعی استوار است و کتاب مبین آن، قرآن است.

با توجه به این‌که مدل تربیتی ایرانی- اسلامی از شاهنامه فردوسی استنتاج شده است، توضیحاتی در این خصوص به شفاف‌سازی هر چه بیشتر کمک خواهد نمود. شاهنامه اثری است منظوم که در قرن چهارم توسط حکیم ابوالقاسم فردوسی از نژادگان طوس واقع در خراسان به زیور طبع آراسته شده است. این اثر به بیان خالقی مطلق یک کتاب نیست که یک کتابخانه است و همان‌گونه که فردوسی حدود ۳۰ سال عمر در کار سرودن آن کرده است حداقل به همین میزان باید عمر گذاشت تا آن را درک نمود (۲۱). گواه این مدعا عمر بیش از ۳۰ ساله است که خالقی مطلق در کار پیرایش این اثر در کار کرده است و نسخه خالقی مطلق، نسخه استنادی پژوهش حاضر است. آن‌چه از شاهنامه در پژوهش حاضر حائز اهمیت است آن است که شاهنامه از روز نخستین خلقت آغاز می‌شود تا حمله اعراب و با کشته‌شدن یزدگرد سوم به پایان می‌رسد. فردوسی در تنظیم و تدوین این اثر از گستره وسیعی از منابع استفاده نموده است تا بتواند اثری جهانی بیافریند در نتیجه می‌توان منابع مورد استفاده وی را به سه دسته کلی تقسیم نمود:

دوره قبل از ظهور زردشت به روایت شاهنامه: سلسله پیشدادیان (کیومرث، سیامک، هوشنگ، تهمورث، جمشید، ضحاک، فریدون، ایرج، منوچهر، نوزر، زو، گرشاسب)، **سلسله کیانیان** (کیقباد، کاووس، کیخسرو، لهراسب)

دوره ظهور زردشت تا رسیدن اسلام به ایران: ادامه سلسله کیانیان (گشتاسب {ظهور زردشت}، اسفندیار، بهمن، همای، داراب، دارا {حمله اسکندر}؛ پایان سلسله کیانیان)، **جانشینان اسکندر (سلوکیان)، اشکانیان، ساسانیان**

دوره اسلامی: سالمی تبار در روزشمار تاریخ اسلامی، از ۱۱ الی ۳۱ هجری قمری را چنین وقایع‌نگاری کرده است (۲۲). ۱۱ هجری قمری؛ وفات پیامبر، ۱۲ هجری قمری؛ نخستین حمله به ایران به دستور ابوبکر و ورود اسلام، ۱۳ هجری قمری؛ ادامه حمله به دستور عمر، ۱۵ هجری قمری؛ کشته‌شدن رستم فرخزاد؛ سپه‌سالار ایران، ۱۶ هجری قمری؛

هم‌واژه‌ای عربی است مجدد فردوسی عامدانه حکمت را با خرد جایگزین کرده و در نسخه مسکو تنها یک دفعه در داستان سیاوش واژه حکمت استفاده شده که آن هم در نسخه خالقی مطلق جزء ابیات الحاقی دانسته شده است (۱۵، ۱۴). اما واژه حکیم در نسخه‌های شاهنامه مورد استفاده و استناد قرار گرفته و حتی در بعضی موارد برای مقابله با واژه فیلسوف به کار برده شده است. در نتیجه واژه خرد در شاهنامه تمامی کاربردهای واژه‌های عقل و حکمت را پوشش می‌دهد. نکته دیگر آن‌که در ترجمه‌های معتبر از شاهنامه نظیر دیوینس معادل انگلیسی خرد Wisdom در نظر گرفته که این واژه معادل حکمت هم نیز هست چرا که در ترجمه حکمت متعالیه ملاصدرا و حکمت نوریه سهروردی از واژه Wisdom استفاده شده است (۱۷). عطف به توضیحاتی که در خصوص عقل، حکمت و خرد بیان شد، حکمت بنیان به نهادینه شدن مراتب فرازین عقل اشاره دارد که بر اساس شاهنامه می‌توان آن را خرد بنیان در نظر گرفت. اما با توجه به استفاده از یک واژه در زبان انگلیسی در خصوص واژگان خرد و حکمت معادل انگلیسی حکمت‌بنیان و خردبنیان Wisdom-Based خواهد بود.

در پژوهش حاضر، ایران تنها یک گستره جغرافیایی نیست بلکه گستره‌ای است وسیع از تمدن و فرهنگ. تمدن و فرهنگی که به بیان برادران می‌توان آن را به دو دسته کلی تقسیم کرد: قبل از تاریخ و بعد از تاریخ. بعد از تاریخ آن با امپراطوری مادها در ۸۰۰ قبل از میلاد آغاز می‌شود و سپس با هخامنشیان، حمله اسکندر گجسته، سلوکیان، اشکانیان، ساسانیان ادامه می‌یابد و با قتل یزدگرد سوم به پایان می‌رسد. اما قبل از تاریخ آن مربوط به قبل از کوچ قوم هندو- ایرانی به این گستره جغرافیایی است چون در فلات مرکزی ایران، بومیانی صاحب تمدن زندگی می‌کردند که برای مثال شواهد تاریخی یافت‌شده از کاخ آپادانای شوش نشان از تمدنی کشاورزی به قدمت ۹۰۰۰ سال قبل از میلاد دارد (۱۸). اما در خصوص اسلام، بر اساس نص صریح قرآن سوره آل‌عمران آیه ۱۹ مبنی بر این‌که دین نزد خدا اسلام است و در اعصار مختلف به فراخور زمان، تغییر لفظی کرده است و همه پیامبران بر دین اسلام بوده‌اند. البته این نکته واژه‌شناختی اهمیت دارد که واژه دین، یک واژه پارسی اصیل است (۱۹).

واژه دین بر اساس دهخدا در زبان‌های ایرانی ریشه دارد. در سانسکریت و گات‌ها و دیگر بخش‌های اوستا به صورت مکرر واژه دئنا آمده است. دین در گات‌ها به معانی مختلف کیش،

فتح مدائن، ۲۰ هجری قمری؛ فتح نهاوند، ۳۱ هجری قمری؛ قتل یزدگرد سوم و انقراض ساسانیان.

بر اساس تقسیم‌بندی دیگر که مورد تأیید بعضی شاهنامه پژوهان نظیر صفا است شاهنامه را می‌توان به سه دوره کلی تقسیم کرد (۲۳):

دوران اساطیری (سلسله پیشدادیان): فاقد زمان و مکان است و به قبل از استقرار تمدن در نجد ایران اشاره دارد. دارای مشترکات زیاد با تمدن‌های متقدم‌تر، هم‌عصر و یا متاخرتر نظیر آشور، بابل، سومر، ایلام، یونان، روم، هند، چین، سکایی و از این دست می‌باشد.

دوران افسانه‌ای، حماسی یا پهلوانی (سلسله کیانیان): قابلیت زمان‌مند شدن دارد، هر چند پهلوانان نیروهای فراطبیعی دارند در کالبد انسانی پرداخت شده‌اند. بعضی از پژوهش‌ها نظیر اصلانی سعی در تطبیق این سلسله با هخامنشان کرده‌اند (۲۴).

دوران شبه تاریخی و تاریخی (حمله اسکندر، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان): به روایت مسکوب اسکندر شاهنامه روایتی مخدوش دارد و با آنچه در تاریخ از اسکندر آمده تطابق تمام ندارد؛ سلوکیان در روایت اسکندر مخلوط شده‌اند (۲۵). فردوسی به وضوح اذعان می‌کند از اشکانیان اطلاعات دقیقی به دستش نرسیده است اما به گواه بعضی پژوهش‌ها نظیر گازرانی سیکل گودرزبان شباهت‌های بسیار با شاهان اشکانی دارد و ساسانیان که تقریباً کامل در شاهنامه ذکر شده‌اند که البته بخش ساسانیان عرصه بی‌بدیل ژانر تعلیمی است (۲۶).

در نتیجه در شاهنامه تربیت مورد استناد قرار گرفته است هم جنبه بین تمدنی و فرهنگی دارد که حاصل رفت و آمد نظریات و دیدگاه‌ها از شرق و غرب ایران است، هم جنبه تطور در تعالیم زردشت را دارد که خود در مقام یک فیلسوف است و هم با تعالیم اسلامی به نقطه اوج خود رسیده است. در نتیجه شاهنامه جزء محدود آثاری است که با ستایش خرد شروع می‌شود و صادر اول را هم‌چون ابن‌سینا و سهروردی عقل می‌داند و به استناد این براهین، شاهنامه فردوسی و نه دیگر آثار ادب پارسی نظیر مثنوی، گلستان، هفت‌پیکر و غیره به عنوان منبع اصلی پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است.

روش‌ها

روش‌شناسی پژوهش حاضر بر اساس تعاملی بین تاریخ تحلیلی و آراء تربیتی است و می‌توان آن را تاریخی-تحلیلی-تربیتی نامید (۱۰). تاریخی - تحلیلی از آنچه که در کتب و

منابع تاریخی یافت می‌شود باید به دید انتقادی و تقابلی بررسی شود تا بتوان واقعه تاریخی را تا آنجا که شبیه به اصل بوده بازنمود کرد. در این قسمت اگرچه شاهنامه نسخه خالقی مطلق منبع اصلی است اما باید به گذارها، روایت‌ها یا خوانش‌های موجود در شاهنامه توجه نمود. گذارهای از اسطوره به حماسه و از حماسه به تاریخ به عقیده بهار و آیدنلو در شاهنامه زمینه را برای تاویل‌های مختلف فراهم می‌کنند در نتیجه عطف بدان اصل که آنچه واقعیه یا حقیقت تاریخی است که بتوان برای آن گواه یافت، شاهنامه به‌عنوان کتاب تاریخی صرف نمی‌تواند، انگاشته شود چرا که در بخش اساطیری آن زمان و مکان خاص وجود ندارد (۲۷، ۲۸). در قسمت حماسی هرچند خدایان بخش اساطیری پرداخت انسانی پیدا کرده‌اند اما با تحلیل و تعمق بیشتر درمی‌یابیم این هنرمندی فردوسی است که افراسیابی که ۸۰ رش بلندی قد دارد را پرداختی انسانی کرده است. دلیل آن که تحلیل و تعمق نیاز است آن است که بر اساس معنی رش در دهخدا هر رش معادل تقریباً نیم‌متر است در نتیجه افراسیاب حدود ۴۰ متر بلندی قد دارد. با پذیرش این امر محاسبه ابعاد دیگر پهلوانان کار خیلی سختی نیست (۲۰). در نتیجه در تحلیل روایت‌ها یا خوانش‌های شاهنامه علاوه بر خود کتاب، تفسیرهای معتبر نظیر خالقی مطلق (۲۱، ۲۹، ۳۰)، کتب تاریخی نظیر پیرنیا، پلوتارک، گزنفون، طبری، کریستین‌سن و یارشاطر، فیشر و گرشوئچ هم مورد استفاده قرار گرفته‌اند (۳۱-۳۶). علاوه بر کتب مذکور زرین‌کوب و مطهری هم در خصوص تبیین تعامل مذکور بین تمدن و فرهنگ ایرانی - اسلامی مورد استناد قرار گرفته‌اند (۳۷، ۳۸). در خصوص تبیین آراء تربیتی دایره‌المعارف یونسکو با عنوان اندیشمندان تعلیم و تربیت، سه حکیم مسلمان و مریبان بزرگ مسلمان مورد استفاده و ارجاع قرار گرفته‌اند (۴، ۷، ۳۹).

یافته‌ها

باتوجه به بررسی‌های انجام شده در پژوهش‌های داخلی و خارجی می‌توان به سه نتیجه در مطالعه حاضر رسید:

تعامل تمدن‌ها و فرهنگ‌ها

ایران به عنوان کشوری که از منظر جغرافیایی پل میان شرق و غرب بوده است در اعصار تاریخ خواسته یا ناخواسته در تعامل با تمدن‌ها و فرهنگ‌های بزرگ همسایه خود بوده است. این تعامل شکل و شقوق مختلف داشته است. گاهی چون زمان انوشیروان، برزویه طبیب با نامه و هدایای شاه راهی هند شده است و پس از رنجی دراز توانسته راز درخت بقاء را بازابد،

و انسان در طی طریق نیاز به هادی دارد، باوری جهانی است. این ۳ اصل مشترک باعث می شود که آموزه های تربیتی ادیان هم به مسیرهای مشترک راه یابد. در مدارس یهودی، مسیحی، اسلامی، زردشتی درسی با عنوان چگونه دروغگوی خوبی شویم؟ نیست، چگونه مردم آزاری کنیم؟ نیست چرا که اصول و راه رستگاری مشترک هست.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس آن چه تاکنون در خصوص یکسان بودن حکمت و خرد در شاهنامه بیان شد می توان به برنامه درسی خردگرا (Wisdom-Based Curriculum) مورد تأکید دوربنانی و همکاران، صفیان و همکاران و راهایو استناد کرد (۴۲-۴۰). صفیان و همکاران خرد را دارای قدمتی باستانی دانسته اند که می توان آن را به قدمت تمدن و حتی سپیده دم حیات دانست (۴۱). خرد از دیدگاه افلاطون به عنوان سوفیا، فرانسیس و اپیستمه ذکر گردیده است. برای درک مفهوم خرد باید بافتار استعمال آن را به دقت بررسی کرد. برای مثال، تعریف استنبرگ از خرد عبارت است از «استفاده از هوش، خلاقیت و دانش با میانجی گری ارزش های اخلاقی مثبت به منظور دستیابی به خیر مشترک که از طریق متعادل ساختن منافع: (الف درون فردی، ب) بین فردی و ج) برون فردی؛ متعادل کردن پیامدهای: (الف کوتاه مدت و ب) بلند مدت و تعادل در پاسخ به محیط از طریق: (الف سازگاری با محیط های موجود، ب) شکل دادن به محیط های موجود، و یا ج) انتخاب محیط جدید دنبال می شود (۴۳). استنبرگ عناصر کلیدی خرد را هم به همین طریق عنوان کرده است که عبارتند از تعادل، دانش ضمنی و خیر مشترک. و البته در خصوص خرد می توان به خرد متعالی و استعلایی اشاره کرد که آیا این مراتب خرد با حکمت متعالیه کارکردهای یکسان دارند یا خیر؟ نگارندگان در این اثر با استفاده از روش سنتز پژوهی سعی بر آن داشته اند که چهار سوال اساسی پاسخ گویند: برنامه درسی مبتنی بر خرد چه مشخصه هایی دارد؟، اهداف برنامه درسی مبتنی بر خرد دارای چه ویژگی هایی است؟، محتوای برنامه درسی مبتنی بر خرد دارای چه ویژگی هایی است؟، برنامه های درسی مبتنی بر خرد شامل چه راهبردهای یاددهی-یادگیری است؟

خرد حل مسئله عملی است و در این خصوص هشت گام حل مسئله بر مبنای خرد در این اثر تشریح شده اند. پنج عملکرد مربوط به خرد در این اثر ذکر گردیده اند و خودآگاهی فراشناختی مورد تأکید قرار گرفته است. از دیگر سو خرد

گاهی به صورت ازدواج بوده نظیر پیوند زال و رودابه یا کاووس و سودابه و گاهی هم به صورت جنگ بوده نظیر یورش هایی که از زمان تورانیان شروع شده و در اعصار مختلف با پرچم ترک و تازی ادامه یافته است. اما آن چه مهم بوده آن است که تمدن و فرهنگ ایرانی به سبب سترگی و پیشینه که به گواه تاریخ و منابع مذکور در متن تا ۹۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح عقبه دارد و مزین به پیامبری است که آموزه های گاهانی وی به ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ قبل از میلاد می رسد در این بازی های تقدیر، اصالت خود را حفظ کرده و حتی بر ترکان صحرانشین، بدوی، دور از تمدن چنان اثری گذاشته که خواجه نظام الملک و خواجه نصیر را بزرگ داشته اند. یکی از تعامل ها بدون شک بین ایران و اسلام بوده است که شواهد آن بسیار است چون رنسانس اسلام در ایران در قرون ۳ و ۴ و ۵ روی داده است، یعنی آنجا که امثال فارابی، ابن سینا، فردوسی، ابوریحان بیرونی، امام محمدغزالی و بسیاری دیگر به عنوان ایرانی مسلمان یا مسلمان ایرانی، اعصار طلایی تمدن اسلامی را رقم زده اند.

تعامل کتب مقدس

در راستای تعامل تمدن ها و فرهنگ های سترگ، یکی از موارد قابل ذکر تعامل کتب آسمانی است. هرچند قرآن معجزه پیامبر اسلام است و تنها کتاب آسمانی است که تحریفی در آن وجود ندارد و این عدم تحریف در حد ادعا نیست چرا که خود قرآن همه افرادی که مدعی هستند می توانند چون آن بیاورند را به چالش خوانده و این مباحله هنوز هم ادامه دارد، اما چون در اساس و اصول مشترکات بین کتب آسمانی باعث وحدت انسان ها می شود، این عامل بسیار مهم است. تمام کتب آسمانی از کتب پیامبران بنی اسرائیل تحت عنوان تورات، اناجیل، اوستا و کتب مربوط با زردشت نظیر گاهان و البته قران بر وحدت و نبوت و معاد تأکید دارند. آثاری هم که از این منابع اقتباس شده بر این اصول استوار بوده اگر اثری ماندگار شده و هنوز هم خواننده دارد. فردوسی در شاهنامه بیان داشته است که «پرستیدن دادگر پیشه کن- به روز گذر کردن اندیشه کن- به نیکی گرای و میازار کس- ره رستگاری همین است و پس».

مشترکات تربیتی ادیان

همان گونه که در خصوص تعامل کتب مقدس و ادیان الهی نگاشته شد اصول انسانی و مبانی ارزشی از زمان خلقت انسان ارزشمند و قابل احترام بوده است. پرستش نیرویی ورای نیروی انسان و طبیعت، باور بدین که بعد از مرگ قصه تمام نمی شود

در ادامه به خرد عملی اجتماعی (Social Practical Wisdom) اشاره می‌کند و این‌که در خصوص یادگیری باید به پیوستار (Learning Continuum) آن توجه خاص شود و اهداف یادگیری باید در راستای خرد عملی ساماندهی شود و توجه بدان که عواملی چون تقوا و عدالت پشتیبان خرد عملی هستند. در پایان نگارنده به نظریات استنبرگ در خصوص خرد اشاره کرده است (۴۷).

صادقی‌گیوی در تحلیل مبانی اندیشه‌های خردگرایی، شاهنامه را خردنامه ایرانیان نامیده است که در آن هم خرد فردی و هم خرد اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است (۴۸). عصر خردگرایی در ایران و اروپا در این عصر تحلیل، تطبیق و مقایسه شده که همانا قرون سوم، چهارم و پنجم ایران است و عصر خردگرایی در اروپا که سردمداران آن همانا دکارت و کانت بوده‌اند. هرچند با ابزار خرد می‌توان غرب وجود را درنوردید اما باید توجه داشت که شرق وجود در خدمت و گرو اشراق است در نتیجه خرد شرط لازم هست ولی کافی نیست. در همین راستا بررسی آثار متقدم و متاخر ابن‌سینا، امام محمد غزالی و ملاصدرا این نکته را آشکار می‌سازد که این سه حکیم مسلمان در آثار متقدم جانب عقل را گرفته‌اند البته به انتقادهای غزالی از نظام فلسفی رایج و البته آشکارسازی تناقض گویی‌های فلاسفه و مواردی که حتی خلاف شریعت گفته‌اند باید اشاره کرد ولی هر سه در آثار متاخر، رویکردهای اشراقی داشته‌اند و می‌توان شباهت‌های فراوان در آثار متاخر آن‌ها با سهروردی یافت. در این اثر ابعاد خرد و خردورزی در شاهنامه، ویژگی‌ها و کارکردها و کارآمدی‌های خرد، ویژگی‌های خردمند، ترکیبات خرد، آفات و تبعات بی‌خردی و آسیب‌شناسی خرد مورد بررسی دقیق قرار گرفته است. اضافه به آن‌چه ذکر شد خرد استعلایی و الزام به ارتقاء آگاهی خرد و هنر (Wisdom And Art Awareness Raising) را می‌توان از این اثر نتیجه گرفت.

فرهنگ و همکاران نظام تعلیم و تربیت را یکی از سنگ‌بناهای هر جامعه که نیت پیشرفت و توسعه داشته باشد، می‌دانند. نظام تعلیم و تربیت شایسته سبب‌ساز فرایند رشد اجتماعی یا به بیان دقیق‌تر توسعه همه‌جانبه یک اجتماع خواهد شد. در این پژوهش نظام تربیتی ایران باستان بر اساس غایت‌ها، اهداف بلندمدت، کوتاه‌مدت و ویژگی‌های مربیان و متربیان تحلیل شده است (۴۹). البته در این پژوهش، نظام تربیتی ایران به قبل و بعد از اسلام تقسیم‌بندی شده است که با تبیین نویسندگان از پیوستار تمدنی ایران منطبق نیست.

کاربرد اخلاقی دانش نام گرفته است و در پایان عناصر برنامه‌درسی مبتنی بر خرد عطف به هدف غایی، اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی-یادگیری و اصول ارزشیابی در قالب یک مدل ارائه شده‌اند. در ادامه می‌توان به پداگوژی خردگرا (Wisdom-Based Pedagogy) مورد تأکید فرگن و سریانینسی استناد داشت (۴۴، ۴۵). فرگن پژوهش خود را بر اساس پداگوژی خرد محور بنیان نهاده است و در این اثر حدود و ثغور خرد و کاربردهای آن در عرصه پداگوژی را مورد تأکید قرار داده است و به چگونگی استفاده از خرد در هرچه بارورتر کردن پداگوژی توجه خاص نموده است (۴۴). سریانینسی تمرکز اثر خود را بر ارزش پداگوژی اسلامی با محور خرد گذارده است و این نکته را یادآور می‌شود که خرد، حکمت یا عقل اسلامی مفهومی است که با معنویت اسلامی در هم تنیده شده است و نمی‌توان آن را به‌عنوان مفهومی مجزا درک کرد (۴۵).

نصر در کتاب سه حکیم مسلمان، ابن‌سینا، ابن‌عربی و سهروردی را تشریح کرده است. مطالعه شرح زندگانی و آثار این سه حکیم مسلمان ایرانی نکات قابل ملاحظه‌ای را در خصوص حیات عقلی در ایران و در بین مسلمانان روشن می‌سازد و در ادامه حیات عقلی و آگاهی در خصوص حدود عقل، ارتباط عقل با شهود و توهم را می‌توان دریافت. شباهتی که زندگانی ابن‌عربی با دانته در خصوص مواجهه با جنبه جمال خداوندی که می‌تواند بئاتریس یا هر نام دیگری داشته باشد از نکات جالب و قابل تأمل است. خرد الهی (Divine Wisdom) از مولفه‌های اساسی در آثار این سه حکیم مسلمان است (۳۹). برودی در ارزش‌گذاری بصیرت‌مندانه داستان هنر و تربیت هنری را با جنبش تربیتی هنری رشته محور (Discipline-Based Art Education Movement) آغاز می‌کند. در ادامه وی بر بعد زیبایی شناختی تعلیم و تربیت تأکید می‌ورزد و به نقش هنر در برنامه‌درسی اذعان می‌کند. البته هنر عنصر تمام‌کننده نیست و در کنار هنر، خرد تربیتی (Educational Wisdom) بسیار مورد تأکید وی است (۴۶).

بهرر و همکاران تأکید اثر خود را بر خرد عملی نهاده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که در برابر نهادهای انگلیسی و فارسی عقل معادل reason است. البته Reason در متون انگلیسی با حرف بزرگ هم نوشته می‌شود که اگر در ابتدای جمله نباشد استنباط معنایی آن متفاوت است و اما Wisdom در پارسی هم معادل خرد است و هم حکمت. در این اثر نگارنده معتقد است که تربیت باید در راستای خرد عملی سامان‌دهی شود و

صرف اسلام است و تعالیم نجات‌بخش آن و پذیرش داوطلبانه اسلام توسط ایرانیان که از یوغ نظام شاهنشاهی آزاد شده‌اند. عطف به مطالعات گذشته و بررسی آراء موافق و یا مخالف با پژوهش حاضر به سه نتیجه می‌توان دست یافت. الف) تعامل تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در اعصار تاریخ که در این جریان تعاملی، ایران پل میان شرق و غرب بوده است. ب) تعامل کتب مقدس که بر سر اساس و اصول تفاوتی ندارند و اگر شباهت‌ها مورد تأکید قرار گیرند بنی آدم اعضای یکدیگر خواهند بود و ج) مشترکات تربیتی ادیان که چون از اساس و اصول مشترک مشتق شده‌اند مبانی ارزشی مشترک دارند. نتیجه‌گیری خاص پژوهش حاضر عطف به حوزه آموزش پزشکی با تأکید بر دوره پزشکی عمومی، معرفی الگو برای دانشجویان حال حاضر است. الگوهایی که گذار زمان از جدایت آن‌ها نکاسته بلکه آن‌ها را درخشان‌تر می‌کند. طبیبانی که به مقام حکمت رسیدند و چهار تکبیر زدند یکسره بر هر چه که هست. طبیبان حکیمی که ز بغداد عشق رسیده بودند تا بسی علتیان را ز غم باز رهند. طبیبان فصیحی که شاگرد مسیح بودند چون بسی مرده می‌گرفتند و در او روح می‌دمیدند و طبیبان الهی که ز کس مزد نخواستند چرا که در تن رنجور چو اندیشه می‌دویدند و شاهد مثال آن بیتی است منسوب به ابن سینا که «تا بدانجا رسید دانش من - که بدانم همی که نادانم».

قدردانی

مراتب سپاس و قدردانی از اساتید بزرگوار، آقایان دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور مطلق از بابت نظرات ارزنده در خصوص مباحث شاهنامه‌شناسی و دکتر آبتین حیدرزاده در خصوص رهنمودهای اساسی در مورد مسائل آموزش پزشکی اعلام می‌گردد.

سوسانتو (Susanto) اذعان می‌دارد که انسان‌ها از تفاوت‌های بارز خود با حیوانات که همانا یکی از آن‌ها دانش است، آگاهند (۵۰). روحی که در تکاپوی ارتباط با خالق خویش است یکی دیگر از فصول ممیز است که در چارچوب اعتقاد به ماوراء می‌تواند به فیض، شادی و رهایی دست یابد. هر چند گستره علوم بشری سعی بر آن داشته‌اند تا سعادت انسان را هر چه بیش‌تر تأمین کنند اما این سعادت در حد اعلی میسر نمی‌شود مگر در یک نظام تربیتی اعتقادی و حکمت بنیان که می‌تواند رسیدن به کمال انسانی، کسب حیات طیبیه و در نهایت جاودانگی را ضمانت کند. مفتخری در پژوهش خود که اساس آن هویت ایرانی و میراث اسلامی است دو رکن مذکور را عطف به مستندات تاریخی مورد تعمق و تأمل قرار داده است (۵۱). هویت ایرانی از آن رو مهم است که سابقه‌ای تمدنی دارد و میراث اسلامی به هر شکل و با هر تغییری از اساس یادگار پیامبر است. نتیجه این پژوهش ایرانیان را به عنوان حلقه حد واسط در جداسازی اسلام از اعراب و تعامل اندیشه‌ها و آموزه‌های ایرانی و اسلامی و تولد و ارتقاء مفهومی جدید دانسته است. معصومی و آبانگاه ازگمی در این پژوهش دیدگاه زرین‌کوب را به عنوان یک تاریخ‌دان ملی‌گرا در برابر مطهری که متعلق به جامعه روحانیت شیعی و اسلام‌گرا است، برابر نهاده‌اند (۵۲). بر اساس دو دیدگاه مطرح‌شده که هر یک در کتاب‌های دو قرن سکوت و خدمات متقابل اسلام و ایران تبیین شده، در دیدگاه زرین‌کوب حساب اسلام از اعراب جدا است. اعراب به کیان مرزی کشوری صاحب تمدن با بهانه اسلام حمله آوردند و حاصل این تهاجم ۲۰ ساله فتح ایران بوده است. این تصویر در نامه رستم فرخ‌زاد به برادرش در شاهنامه نیز به وضوح تشریح شده است اما در دیدگاه مطهری اسلام و اعراب از یکدیگر جدا نیستند و در کل آنچه هست

References

- Günther S. Be masters in that you teach and continue to learn: Medieval Muslim thinkers on educational theory. *Comparative Education Review* 2006;50 (3), 367-388. [DOI:10.1086/503881]
- Khamis MH, Salleh MJ. The Philosophy and Objectives of Education in Islam. Regional Conference on Islamic Education; 2010 Jul 24 – 25; Shah Alam, Selangor. Malaysia; 2010.
- Ariffin AH. A Comparative Analysis of Ibn Sina And Al-Ghazali: Their Philosophical Underpinnings And Contributions Toward Muslim Education. *World Congress for Islamic History and Civilisation*; 2011 Oct10 -11; University Malaya; 2011.
- Morsy Z. Thinkers on Education. 2nd ed. Bernan Associates, 4611-F, Assembly Dr, Lanham, MD 20706-4391; 1997.
- Magee B. The story of philosophy. Oxford University Press; 1998.
- Magee B. The great philosophers: An introduction to western philosophy. Oxford University Press . USA; 2000.

7. Rafiee B. [Great Muslim educators]. Tehran: Samt Publications; 2017. [Persian]
8. Aghabagheri M, Mehrmohammadi M, Bagheri Noaparast Kh. Borzuya. [The physician: A curriculum output of Khosravani Education]. J Med Edu Dev; 2023, 18 (1): 392-400. [Persian]
9. Lahmar F. Discourses in Islamic educational theory in the light of texts and contexts. Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education 2011; 32 (4), 479-495. [DOI:10.1080/01596306.2011.601548]
10. Bagheri Kh. [A new look at Islamic education]; 1st ed. Tehran: School Publications; 2007. [Persian]
11. Jahani Z, Tajnia K, Eslami E. [Analyzing the virtue of wisdom in the Shahnameh based on Aristotle's theory of virtue ethics]. Didactic Literature Review 2022; 13 (51): 146-178. [Persian]
12. Razi H. [Khosravani Wisdom]. Tehran: Behjat Publications; 2019. [Persian]
13. Falahnejad N. [The concept of wisdom in the Shahnameh][dissertation]. Faculty of Literature and Humanities, Tehran University; 2002. [Persian]
14. Tahami A. [Shahnameh: Audio reading of the Moscow Edition]. Tehran; 2018. [Persian]
15. Ferdowsi A. [Shahnameh; Khaleghi Motlagh J. Edition]. Tehran: Sokhan Publications; 2006. [Persian]
16. Seyed Arab H. [A comparative approach to Suhrawardi's philosophy]. Tehran: Hermes Publications; 2014. [Persian]
17. Davis D. The Shahnameh: JSTOR; 1995.
18. Baradran Gh. [Art and civilization in ancient Iran]. Tehran: Puya Publications; 2019. [Persian]
19. Elahi Qomshahi M. [The Holy Quran]. Tehran: Islam Publications; 2018. [Persian]
20. Dehkhoda AA. [Encyclopedia]. Edited by Moein M, Shahidi SJ. Tehran: Tehran University Press; 1999. [Persian]
21. Khaleghi Motlagh J. [Shahnameh and Iranian culture]. Tehran: Sokhan Publications; 2007. [Persian]
22. Salemi Tabar M. [Islamic history calendar from the beginning of the mission of the Holy Prophet]. Isfahan: Computer Research Center; 2006. [Persian]
23. Safa Z. [Epic in Iran: from the oldest historical period to the 14th century]. Tehran: AmirKabir Publications; 1984. [Persian]
24. Aslani F. [Shahnameh and Minavi]. Tehran: Negah Moaser Publications; 2019. [Persian]
25. Mescub Sh. [Ant gift]. Tehran: Ney Publications; 2005. [Persian]
26. Gazerani AS. The Sistani cycle of epics [dissertation]. The Ohio State University: USA; 2007.
27. Bahar M. [From myth to history]. Tehran: Cheshmeh Publications; 1997. [Persian]
28. Aydenloo S. [From myth to epic]. Mashhad: Jihad University Publications; 2006. [Persian]
29. Khaleghi Motlagh J. [Ancient words]. Tehran: Dr. Mahmoud Afshar's Publications in collaboration with Sokhan Publications; 2016. [Persian]
30. Khaleghi Motlagh J. [Shahnameh women]. Translated by Aslani F, Taqipour M. Tehran: Negahe Moaaser publications; 2019. [Persian]
31. Pirnia H. [History of ancient Iran]. Tehran: Negah Publications; 2021. [Persian]
32. Plutarch. [Iranians and Greeks]. Translated by Kasravi A. Tehran: Jami Publications; 2019. [Persian]
33. Xenophon. [The life of Cyrus] Translated by Tahami A. Tehran: Negah Publications; 2020. [Persian]
34. Tabari M. [Balami History]. Tehran: Donyaye ketaab Publications; 2003. [Persian]
35. Christensen A. Iran during Sassanid era. Translated by Yasimi R. Tehran: Negah Publications; 1979.
36. Yarshater E, Melville CP, Avery P, Fisher WB, Gershevitch I, Yarshater E, et al. The Cambridge History of Iran Seleucid Parthian .3rd ed. The Seleucid, Parthian and Sasanid Periods, Part 2. Cambridge University Press; 1983. [DOI:10.1017/CHOL9780521246934]

37. Motahari M. [Reciprocal services of Islam and Iran]. Tehran: Sadra Publications; 2016. [Persian]
38. Zarinkub AH. [Two centuries of silence]. Tehran: Javidan Publications; 1976. [Persian]
39. Nasr SH. Three Muslim sages. Translated by Aram A. Tehran: Amir Kabir Publications; 2014.
40. Duriani P, Pribadi I, Halim I, Batlajery S, Raf N. The implementation of integrated local wisdom-based curriculum in enhancing environmental education. In IOP Conference Series: Earth and Environmental Science 2019 Oct 1 (Vol. 343, No. 1, p. 012159). IOP Publishing; 2019. [DOI:10.1088/1755-1315/343/1/012159]
41. Safiyan R, Hosseinkhah A, baagheri K, Ali Asgari M. [Designing wisdom-curriculum model with an emphasis on Stenberg's viewpoint]. Journal of Curriculum Studies 2019; 14 (54): 37-78. [Persian]
42. Rahayu DP. Strategies for increasing teacher competence through structured mentoring in developing local wisdom-based curriculum in Az-Zahwa Playgroup. Al-Athfal: Journal Pendidikan Anak 2020; 6 (2): 161-74. [DOI:10.14421/al-athfal.2020.62-06]
43. Sternberg RJ. What is wisdom and how can we develop it?. The Annals of the American Academy of Political and Social Science 2004; 591 (1): 164-74. [DOI:10.1177/0002716203260097]
44. Furqon H. The 1st UPI International Conference on Islamic Education, Islamic education faces global challenges. Indonesia: Bandung; 2016.
45. Suryaningsih I. The value of Islamic pedagogy and Arabic science; The study of humanism in manuscript of the Archipelago figures work. Prosiding Pertemuan Ilmiah Internasional Bahasa Arab; 2018.
46. Broudy HS. Enlightened cherishing: An essay on aesthetic education. University of Illinois Press; 1994.
47. Bohrer K, Brown S, Fitz R, Murray AP, Rismiller L, Schramm C, Wright DJ. Educating for practical wisdom: An ideal and a Journey. [Cited 2022 Sept 08].Available from: https://ecommons.udayton.edu/provost_docs/3
48. Sadeghi Givi M. [Analysis of the fundamentals of rationalism in Ferdowsi's Shahnameh]. Literary Criticism Studies (Literary Research) 2008; 0(17): 16-37. [Persian]
49. Farhang A, Siadat SA, Arbabisarjou A, Farhang M, Shirazi M. Education in ancient Iran. IJCRB 2012; 4 (2): 1005-1015.
50. Susanto S. Faith and Wisdom Based Education. In Proceedings of The 6th Asia-Pacific Education And Science Conference, AECon 2020 Dec 19-20; Purwokerto: Indonesia; 2021. [DOI:10.4108/eai.19-12-2020.2309188]
51. Moftakhari, H.[Iran and Islam: Iranian Identity, Islamic Heritage]. Historical Studies, 2014; 4 (2): 93-111. [Persian]
52. Massumi M, Abangah Azgomi M. [The Interaction between Islam and Iran Comparative Study on the Viewpoints Presented by Dr. Zarrinkub and Motahhari]. History of Islam 2022; 22 (88): 223-256. [Persian]